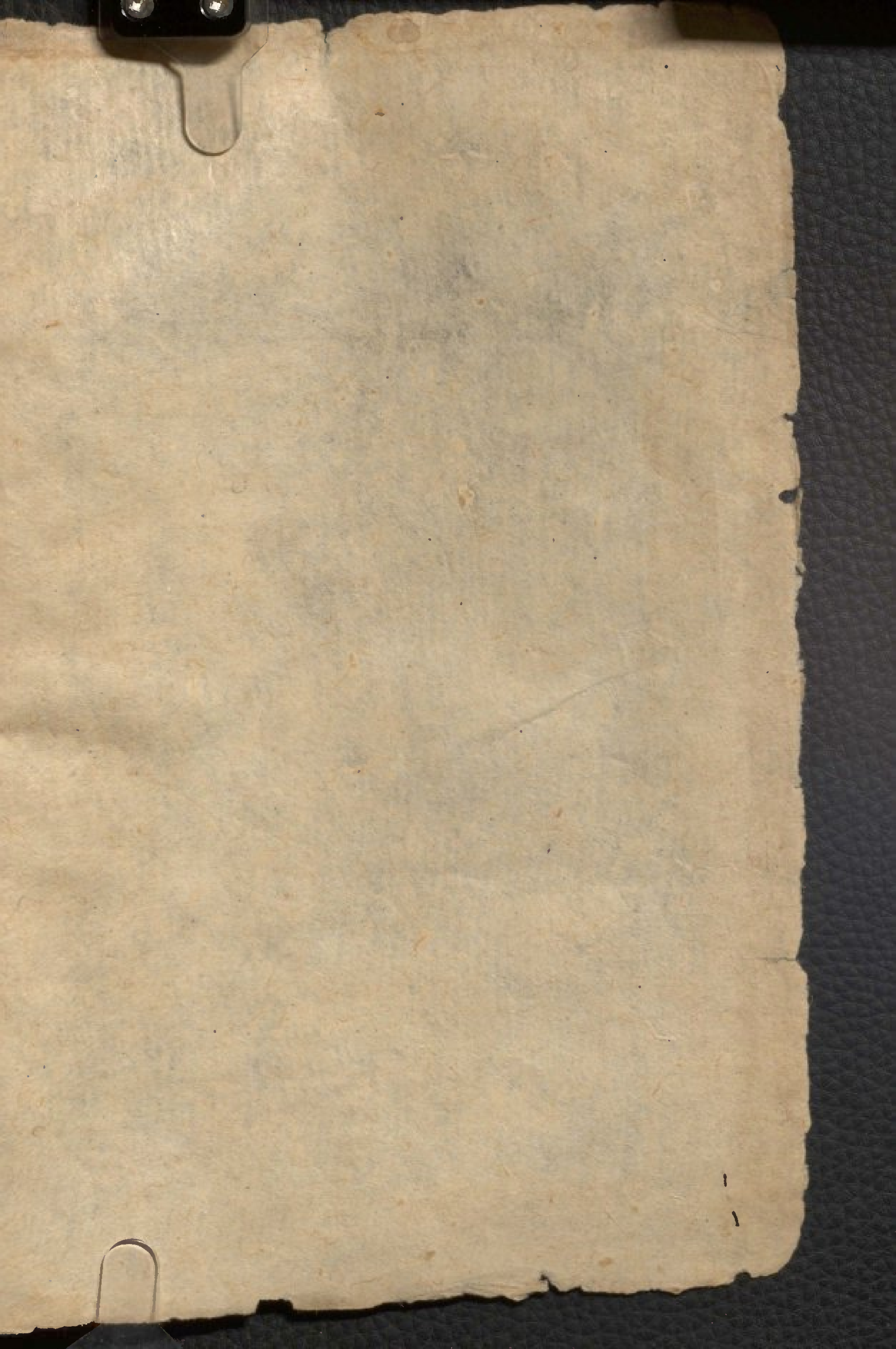






واعلموا انما غنمتم

بدانید آنچ غنیمت کنید

من شيء فان لله

از چیزی پس نه مر خدای عز وجل است

خمسه وللرسول

پنج یک او و مر پیغامبر را و قرابات او

العاشر



الاوّل

وَذِي الْقُرْبَىٰ

و مر خویشاوندان را

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ

و درویشان را — و بی پدران را

وَابْنَ السَّبِيلِ ۝

و راه گذریان را که از خانه دور افتاده اند

كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللّٰهِ وَمَا

بوده باشید گرویده بخدای وانچه

اَنْزَلْنَا عَلٰى عَبْدِنَا يَوْمَ

فرستادیم ما بر بنده خود محمد روز جنگ بدر

الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ

که حق با طل جدا شود آن روز که بیدند و فراهم دو گروه

وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وخدای تعالی بر همه چیزها تواناست

اِذْ اَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ

چون بوده اید شما بر کرانه او نزدیک تر است بمدینه وایشان

بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوٰى وَالرَّكْبُ

بکرانه دور تر از مدینه بوسفیان

اَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ

فروتر از شما بودند واگر با یکدیگر وعده نهادید

لاختلفتم في الميعاد

هر اينه اختلاف كرديدي در وعده جاي

ولكن ليقضي الله أمرا

وليكن براي ان تا بگذارد خداي كاري راكه

كان مفعولا ليهلك

بود در علم او كرده شده بودني تا نيست شود وگمراه گردد

من هلك عن بينة

هر اينه نيست شده است پس ازمايم شدن حجت وگمراه نشسته بظلمت كفر

ويحيى من حي عن

و زنده شود بنور ايمان هركه زنده شده است پس

بينة وإن الله لسميع عليم

بنور ايمان از حجت بدرستي كه خداي تعالي شنوا داناست

إذ يريكهم الله في منامك

چون بنمود ترا اي محمد ايشانرا خداي تعالي در چشم تو در خواب خانو

قَلِيلًا ط وَلَوْ أَرَىٰكَهُمْ كَثِيرًا

اندک — و اگر نمودی بتو ایشانرا — بسیار

لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَٰزَعْتُمْ فِى ٱلْأَمْرِ

هر اینه بددل شدید — و با یکدیگر خلاف کردید — در — کار

وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ

ولیکن — خدای تعالی — برهانید شمارا — که اوست — دانا

بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ۝ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ

بدانچ — در دلهاست — چون نمود شمارا ایش

إِذِ ٱلْتَقَيْتُمْ فِىٓ أَعْيُنِكُمْ

انگاه که فراهم امدید — در — چشمها ایشان

قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِىٓ أَعْيُنِهِمْ

اندک — و اندک کرد شمارا — در چشمها ایشان

لِيَقْضِىَ ٱللَّهُ أَمْرًا كَانَ

تا بگذارد — خدای تعالی — کاری را — که بود در علم او

مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ

کرده شده وسوي خداي تعالي باز گردانيده

الْأُمُورُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

شود کارها اي انکسانی که بگرويده ايد

إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا

چون ببينيد گروه کافران را پس استوار شويد

براي جنگ را

وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

و ياد کنيد خداي تعالي را بسيار

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَأَطِيعُوا

مگر شما رستگار شويد و فرمان برداري کنيد

اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا

خداي تعالي را و پيغامبر اورا و با يکديگر داوري مکنيد

فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

که بد دل شويد و برود باد هاء شما

وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

وصبر کنید که خدای تعالی با صابرانست

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا

ومباشید همچو کسانیکه بیرون آمدند

مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ

از سرایها خویش طرب وشادی ونمایش

النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ

مردمان وباز دارند از

سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

راه خدای تعالی وخدای تعالی بدانچ می کنند

مُحِيطٌ وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ

داناست وچون بیاراست برای ایشان دیو

أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ

کارها ایشانرا گفت نیست غلبه کنندهٔ

لکم

لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَاِنِّي

مر شما را امروز از مردمان ومن همسایه

جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَآءَتِ الْفِئَتَانِ

شما ام پس چون یکدیگر بدیدند هردو گروه

نَكَصَ عَلٰى عَقِبَيْهِ وَقَالَ اِنِّي

باز گشت بر پاشنه خود وگفت من

بَرِيْٓءٌ مِّنْكُمْ اِنِّيْٓ اَرٰى

بیزارم از شما که من می بینم

مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّيْٓ اَخَافُ اللّٰهَ

آنچه شما نبینید که من میترسم از خدای تعالی

وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ

وخدای سخت عقوبت است

اِذْ يَقُوْلُ الْمُنَافِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ

چون می کنند دو رویان وانکسانکه

فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ

در دلهاء ايشان بيماري كفرست بفريفت

هَٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ

اين گروه را كيش ايشان وهركه توكل كند

عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

بر خداي تعالي پس كه خداي تعالي ارجمند استوار كارست

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ

اگر ببيني كافرانرا چون بميرانيد كسانيرا كه

كَفَرُوا الْمَلَٰئِكَةُ يَضْرِبُونَ

كافر شده اند زبانيكان مي زنند در وزبدر

وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا

در رويهاي ايشان ودر پشتهاي ايشان بچشيد

عَذَابَ الْحَرِيقِ ذَٰلِكَ

عذاب دوزخ سوزان اين عذاب

بما قد

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ

بدانچه پیش فرستاده است دستهای شما بدرستی که خدای تعالی

لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝

نیست ستمکار بر بندگان خود

كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ

حال کافران چون عادت پسروان فرعون است

وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا

و کسانیکه پیش از ایشان کافر شدند

بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

بنشانیها خدای تعالی پس بگرفت ایشانرا خدای تعالی

بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ

بگناهان ایشان بدرستی خدای تعالی نیرومند

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ ذَلِكَ بِأَنَّ

سخت عقوبت است این بر آنست که

الله لم يك مغيرا نعمة انعمها

خداي تعالي بناشد كردانندهٔ نيكويي كي نيكويي كرد

على قوم حتى يغيروا

بر كروهي تا نكرداند

ما بانفسهم وان الله

آنچ بنفسهاي ايشان باشد وبدرستي خداي تعالي

سميع عليم كداب

شنواي داناست حال كافران چون عادت

آل فرعون والذين من

پس روان فرعون است وكسانيك پيش

قبلهم كذبوا بايات ربهم

از ايشان دروغ زن داشتند نشانيها خداوند خود

فاهلكناهم بذنوبهم واغرقنا آل

پس نيست كرديم ايشانرا بكناهان ايشان وغرق كرديم

فرعون

فرعون وكل كانوا ظالمين ان شر الدواب

عند الله الذين كفروا فهم

نزدیک خدای تعالی انکسان اند که کافر شده بس ایشان

لا یؤمنون ۝ الذین عاهدت

نه گروند انکسانک پیمان استدی تو

منهم ثم ینقضون عهدهم

ازایشان بشکنند پیمان خود را

فی کل مرة وهم لا یتقون

در هر بار وایشان نمی پرهیزند

فاما تثقفنهم فی الحرب

پس اگر بیابی ایشانرا در جنگ

فشرد بهم من خلفهم

پس پراکنده گردان بدیشان انکسانرا پس ایشانند

لعلهم یذکرون ۝ واما تخافن

مگر ایشان پند پذیرند

و اگر بترسی

۶

مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ اِلَيْهِمْ

از گروهی ناستواری از پس بنید ازان سوی ایشان

عَلٰى سَوَاۤءٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

بر انچ تو و ایشان یکسان باشید بدرستی خدای تعالی دوست ندارد

اَلْخَاۤئِنِيْنَ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ

ناستواران را ونه پندارند ای محمد آنکسانیک

كَفَرُوْا سَبَقُوْا اِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُوْنَ

کافر شدند پیش دستی کردند از عذاب ایشان

وَاَعِدُّوْا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ

وبسازید برای جنگ ایشان آنچ توانید شما

مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ

از نیروی مراد سلاح واز اسپان بسته در راه خدای تعالی

تُرْهِبُوْنَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ

بترسانید بدو دشمن خدای تعالی

وعد

وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ

ودشمنان خودرا ودیگران از

دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ ج اللّٰهُ

جز ایشان یعنی منافقان کە نمی دانید شما ایشانرا خدای تعالی

يَعْلَمُهُمْ ط وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ

می داند ایشانرا وانچ نفقە کنید از

شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يُوَفَّ

چیزی در راه خدای تعالی تمام دادە شود

إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝

سوی شما وشما ستم کردە نشوید

وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ

واگر بگردند سوی آشتی بس تو نیز بگرای

لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ط إِنَّهُ

سوی آن وتوکل کن بر خدای تعالی

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِنْ

اوست شنوای داناست اگر

يُرِيدُوٓا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ

خواهند که بفریبند ترا بس که

حَسْبَكَ اللَّهُ الَّذِيٓ أَيَّدَكَ

بسنده است ترا خدای تعالی او قوی کردست ترا

بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَلَّفَ

بیاری دادن و بگرویدگان و فراهم آورد

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي

میان دلهای ایشان اگر نفقه کردی آنچ در

الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّآ أَلَّفْتَ بَيْنَ

زمین است همه فراهم نیاوردی میان

قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ

دلهای ایشان ولیکن خدای تعالی فراهم آورد میان ایشان

إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ يَآأَيُّهَا

كه اوست ارجمند استواركار اي

النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ

پيغامبر بسنده است ترا خداي تعالى وانك

اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بس روي كرد ترا از گرويدگان

يَآأَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ

اي پيغامبر تحريض كن يعني برانگيز گرويدگان را

عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن

بر كارزار اگر باشد

مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ

از شما بيست تن شكيبايان

يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن

چيره شوند بر دويست تن واگر باشد

مِّنكُمْ مِّائَةٌ يَغْلِبُوٓا أَلْفًا

از شما صد تن چیره شوند بر هزار تن

مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ

از کسانیکه کافر شدند بدان سبب

قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ۝ الْآنَ

ایشان کروهی اند که حق را نمیدانند اکنون

خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ

سبک کرد خدای تعالی از شما و دانست

أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا ط فَإِن

که در شما سستی پس اگر

يَكُن مِّنكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ

باشد از شما صد تن شکیبایان

يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ع وَإِن يَكُن

غلبه کنند دو دویست کس را و اگر باشد

ربع

مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوٓا۟ أَلْفَيْنِ

از شما هزار تن غلبه کنند دو هزار تن را

بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ مَعَ

بفرمان خداي تعالي وخداي تعالي با

ٱلصَّٰبِرِينَ ۝ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ

شکیبایان است نبود مر هیچ پیغامبري را که باز دارد زن کافرانرا

أَن يَكُونَ لَهُۥٓ أَسْرَىٰ

که باشد اورا اسیران اناث فدا ستاند

حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِى ٱلْأَرْضِ ۚ

تا انگاه بسیار انرا بکشد در زمین

تُرِيدُونَ عَرَضَ ٱلدُّنْيَا وَٱللَّهُ

مي خواهيد شما مال دنيا وخداي تعالي

يُرِيدُ ٱلْءَاخِرَةَ ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

ميخواهد که ان جهان شما وخداي تعالي ازهر [illegible] حکیم

لولا كتاب من الله سبق

اگر نبودی نبشته وحلال کرده غنیمت از خدای تعالی پیش شد
ودند از تعالی بنام

لمسكم فيما اخذتم عذاب

هر اینه برسیدی شمارا در انچ بستدن برشما عذابی

عظيم فكلوا مما غنمتم

بزرگ پس بخورید از انچ غنیمت گرفتید

حلالا طيبا واتقوا الله ان

حلال پاکیزه و بترسید از خدای تعالی که بدرستی

الله غفور رحيم يايها

خدای تعالی آمرزنده بخشاینده است ای پیغامبر

النبي قل لمن في ايديكم

بگو مرکسانرا که در دستهای شما اند

من الاسرى ان يعلم الله

اسیران اگر بداند خدای تعالی

فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا

در دلها شما نيكويي بدهد شما را بهتر

مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ

از آنچ ستده شد از شما و بيامرزد شما را وخداي تعالي

غَفُورٌ رَّحِيمٌ وَإِن يُرِيدُوا

آمرزنده بخشاينده است اگر خواهند كه

خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن

تا استواري نمايند ترا پس بدرستي خيانت كردند خداي تعالي را پيش ازين

قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ

بكفر آوردن پس دست گاه داد از ايشان وخداي تعالي

عَلِيمٌ حَكِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ

دانا بي استواركار است بدرستي آنكسانك

آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

بگرويدند و از جاها هجرت كردند و كوشش كردند

بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ

بمالها خود وتنهاي خود در راه

اللّٰهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا

خداي تعالى وانكسانك بجاي دادند مهاجرانرا وياري دادند

اُولٰئِكَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

ايشان اند كه بعضي از ايشان دوستان بعضي ديگر اند

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا

وانكسانك بگرويده اند وهجرت نكردند

مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ

نيست شمارا از دوستي ايشان ميراث بردن از چيزي

حَتّٰى يُهَاجِرُوا وَاِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ

تا آنگاه كه هجرت كنند واگر ياري خواهند از شما

فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ

در راه دين پس بر شماست ياري دادن

إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ

مگر بر گروه که میان شما ومیان ایشان

مِّيثَاقٌ ط وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

پیمانی باشد وخدای تعالی بدانچ می کنید

بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

بیناست وانکسانک کافرشدند

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ط إِلَّا تَفْعَلُوهُ

بعضی ازایشان دوستان بعضی اند اگر نکنید انرا

تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ

باشد تباهی کفر در زمین

وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا

وتباهی بزرگ وانکسانک بگرویدند

وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

وهجرت کردند وبکوشیدند در ... خدای

وَالَّذِينَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ

وانكسانك جاي دادندها وياري دادند ايشانند

هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ

ان گروبلكان راستي مرايشانراست

مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ وَالَّذِينَ

امرزشي وروزي نيكو وانكسانك

آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

بگرويدند پس ازان وهجرت كردند وبكوشيدند

مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ

باشما پس ايشانند ازشما

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ

وخويشاوندان ازجانب مادر وپدر بعضي ازايشان

أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

[illegible] بيعضي در حكم خداي تعالي



إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

كه خداي تعالى بهمه چيزها داناست

سورة التوبة مائة وثلثون اية

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

بيزاري از خداي تعالى واز پيغامبر او

إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ

سوي انكسانيكه باشما عهد كرده بودند پس از ان بشكستند

الْمُشْرِكِينَ ط فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ

اينان كوبات بس كرويد در زمين

أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

چهار ماه شوال وبدانيد كه شما

غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ط وَأَنَّ اللَّهَ

نيستيد عاجز كنندكان خداي تعالى را وپديد ستي خداي

از عذاب [illegible] شما

مُخْزِي الْكَافِرِينَ وَأَذَانٌ
رسوا كننده كافرانست واكاهي واذنست
مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ
از خداي تعالي واز بيغامبراو سوي مردمان
يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ
در روز حج بزركتر يعني روز عرفه كه خداي تعالي
بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
بيزارست از انباز كويان وبيزارست
وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ
بيغامبراو بس اكر توبه كنيد از كند بس آن بهتر باشد
لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ
مر شمارا واكر روي بكردانيد بس بدانيد كه شما
غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ
عاجز كنندكان خداي تعالي ومژده ده انكسانراكه
كفر

كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ إِلَّا

كافر شدند بعذابی دردناک مگر

الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

آنکسانیک عهد کردید با شما از انباز گویان

ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا

پس کم نکردند شمارا چیزی و پناه نکرفتند

عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ

بر شما کسی را پس تمام کنید سوی ایشان

عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ

پیمان ایشان تا مدت ایشان که

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

که خدای تعالی دوست دارد پرهیزکارانرا

فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ

پس چون بیرون روند ماهها حرام

فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَيْثُ

پس بکشید ابنازگوبان را هرکجا که

وَجَدْتُمُوْهُمْ وَخُذُوْهُمْ

دریابید ایشانرا وبگیرید ایشانرا

وَاحْصُرُوْهُمْ وَاقْعُدُوْا لَهُمْ

وبازدارید ایشانرا وبنشینید براي گرفتن ایشان

كُلَّ مَرْصَدٍ فَاِنْ تَابُوْا

برهر راهي پس اگر توبه کنند از کفر

وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ

وبپاي دارند نمازرا وبدهند زکوة مال

فَخَلُّوْا سَبِيْلَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ

پس بگذارید راه ایشانرا که خداي تعالي آمرزگار

رَّحِيْمٌ وَاِنْ اَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ

مهربانست واگر کسي از ابنازگوبان

15

استجارك فأجره حتى يسمع

زينهار خواهد از تو. پس زينهار ده اورا تا بشنود

كلام الله ثم أبلغه مأمنه

سخن خداي تعالي پس برسان اورا بجايگاه او

ذلك بأنهم قوم لا يعلمون

آن بدانست كه ايشان گروهي اند كه هيچ ندانند

كيف يكون للمشركين عهد

چگونه باشد مر انباز گويان را پيماني

عند الله وعند رسوله إلا الذين

نزديك خداي تعالي ونزديك پيغامبر او مگر آنكساني

عاهدتم عند المسجد الحرام

پيمان بستيد شما نزديك مسجد حرام يعني كعبه

فما استقاموا لكم فاستقيموا

پس تا برپاي داشتند عهد را براي شما پس برپاي داريد شما

لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

براي ايشان كه خداي تعالي دوست دارد پرهيزكاران را

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ

چگونه بدانند اگر ظفر ايشان بر شما

لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً

نگاه ندارند در ميان شما خويشي را و نه عهد را

يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى

خشنود كنند شما را بدهنهاي خود و نمي خواهد

قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ

دلهاي ايشان و بيشتر ايشان نافرمانان اند

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا

بدل گرفتند بنشانهاي خداي تعالي بهاي

قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ

اندكي پس بازداشتند از راه او

إِنَّهُمْ

16

أَنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

که ایشان بدست انج می کنند

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ

نگاه ندارند در هیچ مومن

إِلًّا وَلَا ذِمَّةً ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

خویشی را ونه عهد را وایشانند

الْمُعْتَدُونَ ۝ فَإِنْ تَابُوا

از حد در گذرندگان پس اگر باز گردند

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ

و بر پای دارند نماز را و بدهند زکوة مال

فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ ۗ وَنُفَصِّلُ

پس برادر شما شوند در دین و بیان می کنیم یکان یکان

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

نشانیها را برای گروهی که بدانند

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ

واكر بشكنند پيمانها خود از

بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي

پس پيمان بستن ايشان وعيب كنند در

دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ

كيش شما پس كارزار كنيد باپيشروان كفر

إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ

كه ايشان نيست پيماني مر ايشانرا مكر ايشان

يَنْتَهُونَ ۝ أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا

باز باشند چرا شما كارزار نكنيد باكروهي

نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا

كه بشكنند عهدهاء خود واهنك كردند

بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ

به بيرون كردن پيغامبر وايشان اغاز كردند بجنك با شما

أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ

نخستين بار ايي ترسيد از ايشان بس خداي تعالى

أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ

سزاوارترست كه ترسيد ازو اگر هستيد

مُؤْمِنِينَ قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ

گرويدگان كارزار كنيد با ايشان تا رنج رساند ايشانرا

اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ

خداي تعالي بدستهاي شما ورسوا كند ايشانرا وياري دهد شمارا

عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ

برايشان وخوش كند دلهاي گروه

مُؤْمِنِينَ وَيُذْهِبْ غَيْظَ

گرويدگان وببرد خشم

قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ

از دلها ايشان وتوبه دهد خداي تعالى بر هركه خواهد

وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ

وخداي تعالي دانا ب اسنوار كارست اينداسنيد شما اي منافقان

أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ

كه كراشته شويد ونا بد خداي تعالي

الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا

انكسانرا بكوشيدند از شما ونكرفتند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلَا رَسُولِهِ

از جز خداي تعالي ونه جز پيغامبر او

وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ط

ونه كرويدكان دوستِ يهان

وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

وخداي تعالي اكاهست بدانچ مي كنيد

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا

روا نباشد مرانبازكويانرا كه ابادان كنند

ع

مساجد

مساجد الله شاهدين على

مسجدهاي خداي تعالي گرامي دهندگان بر

انفسهم بالكفر ط اولئك حبطت

نفسهاء خود بناگرويدن ايشانند كه ناچيز شده است

اعمالهم وفي النار هم خالدون

كردارهاء ايشان ودر آتش ايشان هميشه باشند

انما يعمر مساجد الله من

هرآينه آبادان كند مسجدهاي خداي تعالي هركه

آمن بالله واليوم الآخر

بگرويدست بخداي تعالي وبروز قيامت

واقام الصلوة وآتى الزكوة

وبرپاي داشت نماز را وبداد زكوة را

ولم يخش الا الله فعسى اولئك

ونترسيد مگر از خداي تعالي پس شايد بودكه ايشان

أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

ايشكرديد باشند از ازاه داست

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ

اونكات اي دات حاجيان وآباداز كردن

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ

مسجد حرام جوت انك بكرويد

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ

بخداي تعالي وبروز بازسين وبكوشيد

فِي سَبِيلِ اللَّهِ ط لَا يَسْتَوُونَ

در راه خداي تعالي برابر نيستند

عِنْدَ اللَّهِ ط وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

نزديك خداي تعالي وخداي تعالي راه ننمايد

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ

كروه ستمكارانرا انكسانيك

آمنو

آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

بگرویدند وهجرت کردند وبکوشیدند

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ

در راه خدای تعالی با مالهاء خود

وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً

وتنهای خود بزرگتر بایگاه یابند

عِندَ اللّٰهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ

نزدیک خدای تعالی وایشان باشند ایشان

الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم

رستگارا مژده دهد خداوند ایشان

بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ

ببخشایی ازو وخشنودی

وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

وباغهاء اسك مر ایشانرا که درات نعمتهاییست بابایدار همیشه

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ

همیشه باشند درآن همیشه جاوید که خدای تعالی

عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

نزدیک اوست مزد بزرگ یعنی بهشت ای کسانیکه

آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ

بگرویدند مگیرید پدران خودرا و برادران

أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ

دوستان اگر دوست گیرند کفررا

عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ

بر ایمان وهرکه دوست گیرد ایشان را

مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝

از شما پس ایشان باشند آن ستمکاران

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ

بگو اگر باشند پدران شما وپسران شما

وا

۲۰

وَاِخْوٰانُكُمْ وَاَزْوٰاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ

وبرادران شما وجفتان شما وخويشاوندان شما

وَاَمْوٰالٌ اقْتَرَفْتُمُوهٰا وَتِجٰارَةٌ

ومالهاي كه كرد كرده ايد آنرا وبازركاني

تَخْشَوْنَ كَسٰادَهٰا وَمَسٰاكِنُ

بترسيد از ناردان وخانهاي ك

تَرْضَوْنَهٰا اَحَبَّ اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ

بپسنديد آنرا دوسترست سوي شما از خداي تعا

وَرَسُولِهِ وَجِهٰادٍ فِي سَبِيلِ

وپيغامبر او وكوشيدن در د

فَتَ...



لقد نصركم الله في مواطن

بدرستی یاری داد شمارا خدای تعالی در جایهای

كثيرة ويوم حنين اذ

بسیار وروز حنین وان وادیی میانه مکه جون وطایف است

اعجبتكم كثرتكم فلم تغن

سکفت شمارا بسیاری شما پس باز نداشت بسیاری شما

عنكم شيئا وضاقت عليكم

از شما چیزی را وتنگ شد بر شما

الارض بما رحبت ثم وليتم

زمین بدانچ فراخ بود دست پس باز کشتید

ثم انزل الله [illegible]

21

المؤمنين وانزل جنودا

كرويدگان وبفرستاد لشكرهايي

لم تروها وعذب الذين

كه نديديد ايشانرا وعذاب كرد انكسانرا كه

كفروا ط وذلك جزاء

كافر شدند وانست باداش

الكافرين ثم يتوب الله

تا گرويدگان پس توبه داد خداي تعالى

من بعد ذلك على من يشا

از پس آن بر هركه

وا

نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ

بليدند پس نزديك نشوند بحرم خانه كعبه

بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَاِنْ خِفْتُمْ

پس ازين سال كه فتح شد واگر بترسيد

عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللّٰهُ

از درويشي پس زود باشد كه توانگر كند شمارا خداي تعالي

مِنْ فَضْلِهِ اِنْ شَاءَ اِنَّ اللّٰهَ

از فضل خود اگر خواهد كه خداي تعالي

عَلِيمٌ حَكِيمٌ قَاتِلُوا الَّذِينَ

[...]ناي استوار كارست كارزار كنيد با آنكسانك

[...] الْيَوْمِ

٢٢

اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ

خداي تعالي و پيغامبر او و كيش نمي گيرند

دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ

دين راستي را از كسانيكه

أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا

داده شده اند كتاب مراد جهودان تا بدهند

الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

و ترسايان

جزيه را از دست خود و ايشان خوار باشند

ع

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ

و گفتند جهودان كه عزير پيغامبر

اللّٰهِ ...

قَوْلُهُم بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِؤُونَ

بزبانهای خود دروغ بی گویند گفت خویش را مانند کنند

قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ

بگفتار آنکسانیک نگرویدند از پیش ایشان

قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

لعنت کرد ایشان را خدای تعالی چگونه دروغ بی گویند گردانیده بی شوند

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ

بگرفتند دانشمندان خود را وزاهدان خود را

أَرْبَابًا مِن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ

رابات از جز خدای تعالی دعیسی

[illegible]

إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

كه او · پاكي از عيبها او را · از آنچ انباز مي گويند

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ

ميخواهند كه بكشند روشنايي

اللّٰهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللّٰهُ

خداي تعالي بدهنهاي خود ونخواهست خداي تعالي

إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ

مگر كه تمام كند روشنايي خودرا اگرچه ناخوش باشد

الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي

ناگرويدگان اوست آنك

أَرْسَلَ ... بِالْهُدَى وَدِينِ

براه راست

النصف

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

همه اكرچه ناخوش اند تاكرويدكان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا

اي انكسانك بكرويده ايد بدرستي بسيار

مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ

از دانشمندان وزاهدان ايشان

لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ

هر اينه ميخورند مالهاي مردمانرا

بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ

برشو ناچيز وبازمي دارند ازراه

سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّ... يَكْنِزُونَ

خداي تعالي ... نهند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ

در راه خداي تعالي بس مژده ايشانراه

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا

بعذابي دردناك آن روز كرم كرده شود براو

فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا

در آتش دوزخ بس داغ كرده شود بدان

جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ

بيشانيهاي ايشان وبهلوهاي ايشان وپشتهاي ايشان

هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا

اينست آنچه كنج نهاديد براي نفسها خود

مَا ... تَكْنِزُونَ

... نهاديد

عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللّٰهِ

ماهست در لوح خداي تعالي

يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

ان روز كه بيافريد آسمانها وزمين

مِنْهَا اَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذٰلِكَ

ازان جهار ماه حرام اينست

الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا

حساب راست بس ستم مكنيد

فِيهِنَّ اَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ

...شان برنفسها خود وكارزار كنيد با انبازكريات

...افَّةً كَمَا ... كَافَّةً

... جـ ... همه

25

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ

هر آینه تاخیر ماه محرم افزونی در کفر

يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ

گمراه شوند بدو آنکسانیکه بکرویدند حلال می دارند اورا

عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا

سالی حرام می دارند اورا سالی تا موافق کنند

عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا

شمار آنچ حرام کردست خدای تعالی پس حلال می دارند

مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ

آنچ حرام کردست خدای تعالی آراسته شد زشت

أَعْ ... لَا ... اللَّهُ ... هُمْ

و خدای تعالی



الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ

آنکسانیک بگرویدهاید چیست شما را چون گفته شود شما را

انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ

بیرون روید در راه خدای تعالی گران شدید

إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ

سوی زمین ابسندید شما

بِالْحَيَوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ

بزندگانی دنیا از آن جهان

فَمَا مَتَاعُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝

آری عذاب دردناک

… قَوْمًا غَيْر …

گروهی را جز

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَّا تَنصُرُوهُ

بر همه چیزها تواناست اگر یاری نکنید اورا

فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ

پس بدرستی نصرة کرد خدای تعالی چون بیرون کردند اورا

الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ

انکسانیکه کافر شدند دوهی در

إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ

چون ایشان در غار کوه بودند چون می گفت

لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ

بیغامبر مر یار خود را اندوه کمن که خدای تعالی

مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ

با ماست پس بفرستاد خدای تعالی آرامی از فضل خود

عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا

براو و قوی کردانید بلشکرها که دیدید انرا

اورا

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا

وبكرد سخن آنكسانيك كافر شدند

السُّفْلَىٰ ط وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ

فرود تر وسخن خداي تعالي كه آن

الْعُلْيَا ط وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

برترست وخداي تعالي ازجمند استواركارست

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا

بيرون رويد سبكان يعني جوانان وكرانان يعني پيران وبكوشيد

بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ

بمالهاء خود وتنهاء خود در راه

اللَّهِ ط ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

خداي آن بهترست مرشمارا اگر هستيد

تَعْلَمُونَ لَوْ كَانَ عَرَضًا

بدانيد اگر بودي متاعي

قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ

نزدیک وسفری نزدیک هرآینه پس روی کردندی ترا

وَلَٰكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ

ولیکن دشوار نمود برایشان دوری راه

وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا

وزود سوگند خورند بخدای تعالی اگر بتوانستیمی

لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنفُسَهُمْ

هرآینه بیرون آمدیمی با شما هلاک کنند نفسها خود را

وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

وخدای تعالی می داند که ایشان هرآینه دروغ گویانند

عَفَا اللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ

عفو کرد خدای تعالی از تو یا محمد چرا دستوری دادی

لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ

مر ایشان را تا پیدا آید مر ترا آنکسانی که

صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

راست گفتند وبدانستيي دروغ گويانرا

عذري

لَا يَسْتَاذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

دستوري نخواهند از تو انكسانيك بگرويدند

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا

بخداي تعالي وبروز بازپسين كه بكوشند

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

بمالها خود وتنهاي خود وخداي تعالي داناست

بِالْمُتَّقِينَ إِنَّمَا يَسْتَاذِنُكَ الَّذِينَ

بپرهيزكارات هرآينه دستوري خواهند از تو انكسانيك

لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

نمي گروند بخداي تعالي وبروز

الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي

بازپسين وبگمان شدست دلهاي ايشان پس ايشان در

28

رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ۝ وَلَوْ أَرَادُوا

گمان خويش شك مي كند واگر خواستندي

الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِنْ

بيرون آمدن هر اينه بساختندي مر اورا ساختني وليكن

كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ

نخواست خداي تعالي بيرون آمدن ايشان پس كاهل كرد ايشانرا

وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

وگفته شد بنشينيد تا بنشستگان زنان

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ

اگر بيرون آمدندي ميان شما نيفزودندي شمارا

إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ

مگر تباهي وبشتافتندي ميان شما يعني

يعني بيفكندندي شتران واسبان

يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ

بجستندي شمارا آشوبي ودرميان شما هست جاسوسان

لَهُمْ ط وَاللّٰهُ عَلِيمٌۢ بِالظَّالِمِينَ
مر ایشان را وخدای تعالی داناست بحال ستم کاران
لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ
بدرستی بجستند فتنه شور و دشواری از پیش ازین
وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ لا حَتّٰى جَاءَ
وبگردانیدند برای تو کارها تا آمد
الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللّٰهِ وَهُمْ
راستی وروشن شد فرمان خدای وایشان
كَارِهُونَ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ
نخواستند وازایشان کسی هست که میگوید یعنی جد بن قیس
ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي ط أَلَا فِي
دستوری ده مرا تا باز گردم ومرا در فتنه میفگن بدان ای محمد
الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ط وَإِنَّ جَهَنَّمَ
ایشان در فتنه افتاده اند که وبدرستی دوزخ

لمحيطة بالكافرين إن

در گيرنده است ناگرويدگان را اگر

تصبك حسنة تسؤهم

برسد ترا نيكي بد آيد ايشانرا

وإن تصبك مصيبة يقولوا

واگر برسد ترا ناكامي گويند

قد أخذنا أمرنا من قبل ويتولوا

بدرستي بگرفته ايم كار خود را از پيش ازان وروي بگردانند

وهم فرحون قل لن يصيبنا

وايشان شادان شوند بگواي محمد هرگز نرسد مارا

إلا ما كتب الله لنا هو مولىنا

مگر آنچ حكم كردست خداي تعالي براي ما اوست خداوند ما

وعلى الله فليتوكل المؤمنون

وبر خداي تعالي توكل كنند گرويدگان

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا

بگوي اي محمد بما جشم بنی

إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ ۚ وَنَحْنُ

داريد مگر يكي از دو نيكي غنيمت شهادت و ما

نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ

جشم داريم بشما که رساند شما را خداي

بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا

عذابي از نزديک خود يا بدستهاي ما که

فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

پس جشم داريد که ما با شما جشم دارندگانيم

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا

بگو نفقه کنيد بخوشي يا بنا خوشي

لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ ۖ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ

هرگز پذيرفته نشود از شما که شما هستيد

35

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ وَمَا مَنَعَهُمْ

گروه بیرون شدگان از فرمان و باز نداشت ایشان را

اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ اِلَّا اَنَّهُمْ

که بپذیرفته شود از ایشان صدقه دادن مگر اینکه ایشان

ایشان

كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ

بکرویدند بخدای تعالی و بپیغامبر او

وَلَا يَاْتُونَ الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ

و نه بیایند بنماز گزاردن مگر ایشان

كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُونَ اِلَّا وَهُمْ

کاهلان بودند و نه نفقه کنند مگر که ایشان

كَارِهُونَ ۝ فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ

نخواستند بس شگفت نیارد ترا مالهای ایشان

وَلَا اَوْلَادُهُمْ اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ

و نه فرزندان ایشان که میخواهد خدای تعالی

لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَوٰةِ

تا عذاب كند ايشانرا بدان در زندگاني

الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ

اين جهان وبيرون آيند جانهاء ايشان وايشان

كَافِرُونَ ۝ وَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ

ناگرويدگان وسوگند بخورند بخداي تعالى

إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ

كه ايشان هر اينه از شما اند ونيستند از شما

وَلٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ

وليكن ايشان گروهي اند كه مي ترسند

لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ

اگر بيابند جاي گريختن يا شكافها در كوه

أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ

يا جاي در رفتن هر اينه روي سوي آن وايشان

ارند

يجمحون ۝ ومنهم من يلمزك

هي شتابند وازايشان كسي هست كه عيب كند ترا

في الصدقات فان اعطوا

در دادن صدقها پس اگر داده شوند

منها رضوا وان لم يعطوا

ازان خشنود شوند واگر داده نشوند

منها اذا هم يسخطون ۝

ازان انگاه ايشان برنجند

ولو انهم رضوا ما اتيهم الله

واگر ايشان خشنود شوند انچ بداد ايشانرا خداي تعالي

ورسوله وقالوا حسبنا الله

و پيغامبر او وگويند بسنده است مارا خداي تعالي

سيؤتينا الله

من فضله ورسوله انا الي

از بخشش خود و پيغامبر او كه ما بسوي

ع

الله راغبون انما الصدقات

خدای تعالی رغبت کنندگانیم هر آینه صدقهاء زکوة

للفقراء والمساكين والعاملين

مر درویشانراست مر درویشانِ خویش دارند وکار ... ازتنگ سوال مر درویشان نخواهند

عليها والمؤلفة قلوبهم

بدان دلهاء ایشان وفراهم اورده شد

وفي الرقاب والغارمين وفي سبيل

ودر ودر راه وبر مکاتبان کرد ایشان وتاوان داران بفرنجه ... نامد کتابت

الله وابن السبيل فريضة

خدای وراه گذریانرا که ازمال خود دور ومحتاج باشند پدید ...

من الله والله عليم حكيم

از حکم خدای وخدای تعالی داناست استوارکار

ومنهم الذين يؤذون النبي

وازایشان انکسانیکه رنجانند پیغامبررا

ويقو

وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ

ومي گويند اوست گوش

قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ

بگو اي محمد سخن شنو بهترست مر شمارا واستوار دارد

لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ

مؤمنان را ورحمتست مرانكسانرا كه

آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ

بگرويدند از شما وانكسانكه برنجانند

رَسُولَ اللهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

پيغامبر خداي را مرايشانرا عذابي دردناك

يَحْلِفُونَ بِاللهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ

سوگند مي خورند بخداي تعالي براي شما تا خشنود كنند شمارا

وَاللهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضُوهُ

وخداي تعالي و پيغامبر او سزاوارترست كه خشنود كنند اورا

إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَ
اگر هستند گرویدگان آیا نمی دانند

أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
که هر که خلاف کند خدای را و پیغامبر او را

فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ط
پس هر آینه مر او راست آتش دوزخ همیشه باشد در آن

ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ يَحْذَرُ
اینست رسوایی بزرگ بترسند

الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ
دورویان که فرستاده شود بر ایشان

سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ
سورتی تا بیاگاهاند ایشان را آنچ در دلهای ایشانست

قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ
بگو افسوس کنید که خدای تعالی بیرون آرنده

مَا تَحْذَرُونَ ۞ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

آنچ می ترسید واگر بپرسی ازیشان

لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ

هرآینه بگویند ایشان که بودهایم ما که سخت میگفتیم

وَنَلْعَبُ ط قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ

و بازی کردیم بگو ا بخدای تعالی و نشانهای او

وَرَسُولِهِ ۞ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ

و نه پیغامبر او شما افسوس می کنید

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ ط

بهانه عذر مخواهید بدرستی کافر شدید شما پس از گرویدن خود

إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ

اگر گذاریم از گروهی از شما

نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا

عذاب کنیم گروهی دیگر بدان سبب که بودند

است

مُجْرِمِيْنَ ۝ اَلْمُنَافِقُوْنَ وَالْمُنَافِقَاتُ

گناه کاران کافران | دوروبان مردان | و دوروبان زنان

بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُوْنَ

بعضی از ایشان | از | بعضی اند | می فرمایند بکارهای

بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوْفِ

ناشناخته شرع | و باز می دارند | از | کارهای شناخته شرع

وَيَقْبِضُوْنَ اَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللّٰهَ

و باز گیرند | دستهای خود را | فرو گذاشتند امر خدای تعالی را

فَنَسِيَهُمْ اِنَّ الْمُنَافِقِيْنَ هُمُ

پس فرو گذاشت ایشان را | که | دوروبان | ایشان

الْفَاسِقُوْنَ ۝ وَعَدَ اللّٰهُ الْمُنَافِقِيْنَ

نافرمانان اند | وعده داد خدای تعالی | مردان منافق

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ

و زنان منافق | و ناگرویدگان را | آتش دوزخ

خالدين فيها هي حسبهم

همیشه بمانند درآن دوزخ بسنده ایشانرا

ولعنهم الله ولهم عذاب

ولعنت کرد ایشانرا خدای تعالی ایشانراست عذاب

مقيم كالذين من قبلكم

پایدار همیشه چنانک کردند آن کسانی منافقان که پیش از شما

كانوا اشد منكم قوة واكثر

بودند سخت تر از شما بقوة وبیشتر داشتند

اموالا واولادا فاستمتعوا

بمالها وفرزندان پس برخورداری گرفتند

بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقكم

بهره خودیشان پس برخورداری گرفتید بهره خود شما

كما استمتع الذين من قبلكم

چنانک برخورداری آنکسانک از پیش [illegible] گرفتند

بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي

بهره خود ودر سخت شدید چنانک انکسان

خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ

در سخن شدند ایشانک تاخیر شدست

أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

کردارها ایشان در این جهان وآن جهان

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

وایشانک ایشان زیان کاران

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن

انه امدست بدایشان خبر انکسانک پیش ازان

قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ

بودند چون گروه نوح وعاد بان

وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ

وثمود بان وگروه ابراهیم وسالنان

مدين والمؤتفكات أتتهم
شهر مدين كه قوم شعيب بودند و شهرهاي قوم لوط بيامد بريشان
رسلهم بالبينات فما كان
پيغامبران ايشان بحجتها روشن پس سود كه
الله ليظلمهم ولكن كانوا
خداي تعالي ستم كند بر ايشان وليكن ايشان
أنفسهم يظلمون والمؤمنون
بر نفسهاي خود ستم ميكردند و اگرويدگان از مردان
والمؤمنات بعضهم أولياء
وگرويدگان از زنان بعض ايشان دوستان يكديگر
بعض يأمرون بالمعروف وينهون
بعضي مي فرمايند بكارهاي نيك و باز دارند
عن المنكر ويقيمون
از كارها ناشناخته و بر پاي دارند

الصلوة ويؤتون الزكوة

نماز را وبدهند زكوة مال را

ويطيعون الله ورسوله

وفرمان بردار باشند خداي تعالي را وپيغامبر اورا

اولئك سيرحمهم الله ان الله

ايشانند كه زود بيامرزد ايشانرا خداي تعالي كه خداي تعالي

عزيز حكيم وعد الله المؤمنين

ارجمند استواركارست وعده داد خداي تعالي مردان گرويده

والمؤمنات جنات تجري

وزنان گرويده را باغهائي كه برود

من تحتها الانهار خالدين

از زيرآن جويها هميشه باشند

فيها ومساكن طيبة في جنات

درآن وخانهاي پاكيزه نيكو باشند در باغهاي

عدن

36

عدن ورضوان من الله
جاودانی وخشنودی ایشانرا از خدای

اکبر ذلك هو الفوز العظیم
بزرگست ازهمه آنست آن رستگاری بزرگ

یاایها النبی جاهد الکفار
ای پیغامبر کارزار کن باناگرویدگان

والمنافقین واغلظ علیهم
ومنافقان ودرشتی کن برایشان

وماویهم جهنم وبئس المصیر
وجای ایشان دوزخ وبد جای بازگشت

یحلفون بالله ما قالوا
سوگند می خورند بخدای تعالی که سخنان بد نگفته اند

ولقد قالوا کلمة الکفر

وبدرستی گفتند سخن کافری

ع

وكفروا بعد اسلامهم وهموا

وكافر شدند بعد از اسلام آوردن خود واهنگ کردند

بما لم ينالوا وما نقموا الا ان

بدانچ نیافتند وکینه ور نشدند مگر که

اغنيهم الله ورسوله من

بی نیاز کرد ایشانرا خدای تعالی و پیغامبر از

فضله فان يتوبوا يك خيرا

فضل خود بس اگر توبه کنند باشد بهتر

لهم وان يتولوا يعذبهم

مر ایشان را واگر روی بگردانند عذاب کند ایشانرا

الله عذابا اليما في الدنيا

خدای تعالی عذابی دردناک در دنیا

والاخرة وما لهم في الارض

ودر آخرت ونباشد مر ایشانرا در زمین

مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ۝ وَمِنْهُمْ

از دوستي ونه ياري دهي وازايشان

مَّنْ عٰهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰىنَا

هركه پيمان بست باخداي تعالي اگر بدهيد مارا

مِنْ فَضْلِهٖ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُوْنَنَّ

از فضل خود مالي هرآينه صدقه دهيم وهرآينه باشيم

مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ۝ فَلَمَّآ اٰتٰىهُمْ

از نيكمردان پس چون بداد ايشانرا

مِّنْ فَضْلِهٖ بَخِلُوْا بِهٖ وَتَوَلَّوْا

از فضل خود بخل كردند بدان وروي بگردانيدند

وَّهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ۝ فَاَعْقَبَهُمْ

وايشان روي گردانيده اند پس بكرد عاقبت كار ايشان

نِفَاقًا فِيْ قُلُوْبِهِمْ اِلٰى يَوْمِ

دورويات در دلهاي ايشان تا روز

يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللّٰهَ

بيسند موكرا بدانچ خلاف كردند خداي تعالي را

مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا

آنچ وعده كرده بودندش وبدانچ بودند

يَكْذِبُونَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا

دروغ ميكفتند انه ميدانند

أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ

كه خداي تعالي بداند نهاني ايشان

وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللّٰهَ عَلَّامُ

وراز كفتن ايشان وبدرستي كه خداي تعالي همه دان

الْغُيُوبِ ۝ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ

غيبهاست انكسانك عيب كنند

الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

...دهند كه از تطوع را از كرويدكان

فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ

در صدقهاء وانكسانك

لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ

نيابند مكر كه وسعش خود پس افسوس كنند

مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ ط

ازايشان جزاي افسوس كند خداي تعالى ازايشان

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

ومرايشانراست عذابي دردناك

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ط

آمرزش خواه مرايشانرا يا آمرزش مخواه مرايشانرا

إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ

اگر آمرزش خواهي مرايشانرا هفتاد

مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ط

بار پس هرگز نيامرزد خداي مرايشانرا

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ

آن بدانست ایشانرا که کافر شدند بخدای تعالی

وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

و به پیغامبران او وخدای تعالی راه ننماید

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ

گروه تا فرمان ماند را شاد شدند بس ماندگان

بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ

بنشستن خود خلاف کردن پیغامبر

اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا

خدای تعالی و نخواستند که کارزار کنند

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ

بما لها خود و نفسها خود در راه راه

اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ

خدای تعالی وگفتند بیرون نروید در گرما

قل

قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ اَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا

بگو که آتش دوزخ سخت تر است از روی گرما اگر ایشان

يَفْقَهُونَ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا

سخت حق دریابند پس گو بخندند اندک

وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا

و بگریند بسیار پاداش است بدانچ

كَانُوا يَكْسِبُونَ فَاِنْ رَجَعَكَ

بودند کار کرده اند پس اگر باز آرد ترا

اللّٰه اِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ

خدای تعالی سوی گروهی از ایشان

فَاسْتَاْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَّنْ

پس دستوری خواهند از تو برای بیرون آمدن پس بگو که هرگز

تَخْرُجُوا مَعِيَ اَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا

بیرون نیایید با من همیشه و هرگز کارزار نکنید

مَعِيَ عَدُوًّا اِنَّكُمْ رَضِيتُمْ

در موافقت من یا دشمنان که شما بسندید یک خانها

بِالْقُعُودِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا

بنشینید بار نخستین بنشینید مر

مَعَ الْخَالِفِينَ وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ

با پس ماندگان زنان و نماز مکن بر

اَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ اَبَدًا وَلَا تَقُمْ

جنازه هیچ کس از ایشان بمرد همیشه یا کفر و مایست

عَلَىٰ قَبْرِهِ اِنَّهُمْ كَفَرُوا

بر گور او مراد عبد الله ابی سلول است عامست که ایشان کافر شدند

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا

اما این

بخدای تعالی و به پیغامبر او و بمردند

وَهُمْ فَاسِقُونَ وَلَا تُعْجِبْكَ

و ایشان نافرمانان بودند و بشگفت نیارد ترا

اموالهم

أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ

مالهاي ايشان وفرزندان ايشان هرائينه ميخواهد

اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي

خداي تعالي كه عذاب كند ايشانرا بدان در

الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ

اين جهان وبميرد نفسها ايشان وايشان

كَافِرُونَ وَإِذَا أُنْزِلَتْ

ناكرويدكان چون فرستاده شد

سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا

سورتي كه بگرويد بخداي تعالي وكارزار وكوشش كنند

مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا

با موافقت پيغامبر او دستوري خواهند از تو خداوندان

الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا

مال وقوة از ايشان وگويند بگذار ما را

نَكُنْ مَّعَ الْقَاعِدِيْنَ

بباشيم نشستگان

رَضُوا بِاَنْ يَّكُوْنُوْا مَعَ الْخَوَالِفِ

بپسنديدند برانك بباشند بس ماندگان

وَطُبِعَ عَلٰى قُلُوْبِهِمْ فَهُمْ

و مهر كرده شد بر دلهاء ايشان بس ايشان

لَا يَفْقَهُوْنَ لٰكِنِ الرَّسُوْلُ

بي نيفقهند لكن پيغامبر

وَالَّذِيْنَ آمَنُوْا مَعَهٗ جَاهَدُوْا

وانكسانك بگرويده اند با او باشند كوشش كنند

بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ وَاُولٰٓئِكَ

بمالهاء ايشان ونفسهاء ايشان وايشانند

لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ

براي ايشان راست نيكيها وايشانند ايشان

المفلحون أعد الله لهم

رستگاران ساخته کرد خدای تعالی برای ایشان

جنات تجري من تحتها

باغهاء می رود از زیرآن

الأنهار خالدين فيها ذلك

جویهاء همیشه بمانند درآن آن

الفوز العظيم وجاء المعذرون

رستگاری بزرگ و بیامدند عذرنمایندگان

من الأعراب ليؤذن لهم

از بیابانیان تا دستوری داده شود مرایشان را

وقعد الذين كذبوا الله ورسوله

و بنشستند آنکسانکه دروغ گفتند خدای تعالی را و پیغامبر او را

سيصيب الذين كفروا منهم

زود برساند آنکسانکه کافر شدند از ایشان

عذاب اليم ليس على

عذابی دردناک نیست بر

الضعفاء ولا على المرضى

ناتوانان چون پیر و معیوب و نه بر بیماران

ولا على الذين لا يجدون

و نه بر آنکسانک نمی یابند

ما ينفقون حرج اذا نصحوا

آنچ نفقه کنند دشواری بزه چون خالص کردند کار خود را

لله ورسوله ما على المحسنين

مر خدای تعالی و پیغامبر او نیست بر نیکوکاران

من سبيل والله غفور

از راه عقوبت وخدای تعالی آمرزکار

رحيم ولا على الذين اذا

مهربانست و نه بر آنانک چون

ما اتوك

مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ

بیا یند بتو تا برنشانی شان گویی نه یابیم

مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوا

آنچ برنهم برشما برو برگشتند

وَّأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ

وچشمهاء ایشان آب می رود از آب چشم

حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ

از اندوه که نه می یابند آنچ نفقه کنند

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ

بدرستی که راه عقوبة بر آنکسانست

يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ

که دستوری خواهند از تو وایشان توانگرانند پسندیدند

يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ

بدانک باشند با پس ماندگان و مهر نهاد

اللّه علي قلوبهم فهم لا يعلمون

خداى تعالى بر دلهاى ايشان پس ايشان ندانند

م ٤

وفق کرد این جزو کلام مجید و فرقان حمید بتوفیق

فعال لما یرید با بیست جزو دیگر بنده امیدوار برحمت

پروردگار اضعف عباد الله مشرف بن ... کرم الله

نصر الله المخاطب من الحضرت العالیه منصور الملک بن منصور الملک

منصور ممالک دیوان وزارت عالیه دام عالیا حضرت شاه ... و ملک ...

عبد الغنی کرم الله نصر الله المخاطب منصور الملک منصور ممالک

... عمره و جعله خلفا صالحا تا کافه اهل اسلام که بخوانند

... بدعاء ... سرخرویی ... جهان یاد آرند

و تقی صحیح شرعی تا هیچ کسی بهیچ تاویلی الزا تا دیدار
شرعی ملک خود نسازد و ندرد و رهن نکند و نه بخشد
و نه فروشد و بدل نکند هر که لذت شرایط تجاوز کند خصم او
صاحب کلام ملک العلام باشد بحکم قوله تعالی
فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی
الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم ۞
اگر جزوی یا ورقی فوت شود مولانا مسعود شور
صندوقی قلعه رنتهبور را خبر کند تا نویسانده
تمام گرداند الرابع فی شهر المبارک رمضان
عمت برکاته رسمان ونعمائه

